

تصحیح دوباره؟!

نقد و بررسی کتاب غیاث الدین منصور دشتکی و فلسفه عرفان

حسین محمدخانی

غیاث الدین منصور دشتکی فرزند سید صدر الدین دشتکی از جمله فلاسفه مکتب شیراز، صاحب آثار متعددی در زمینه‌های مختلف علوم اسلامی است که از میان آنها می‌توان به رساله منازل السائرین و مقامات العارفین در عرفان اسلامی اشاره کرد. رساله در کتابی تحت عنوان غیاث الدین منصور دشتکی و فلسفه عرفان به همت آقای قاسم کاکایی به چاپ رسیده است. وی کتاب را در دو بخش تنظیم کرده است. بخش اول به معرفی تفصیلی مکتب شیراز، خاندان دشتکی و زمینه‌های فکری تأثیر گذار بر حکمت متعالیه می‌پردازد. و بخش دوم به تصحیح، ترجمه و شرح رساله منازل السائرین و مقامات العارفین اختصاص یافته است. در این مقاله سعی داریم ضمن معرفی کتاب، به نقد و بررسی آن بپردازیم.

۱. معرفی کتاب

کتاب با مقدمه ای در بیان دغدغه مؤلف در تألیف کتاب آغاز شده و در ادامه دو بخش می‌آید. در بخش اول با عنوان مکتب شیراز و غیاث الدین منصور دشتکی، شش فصل می‌آید که عبارتند از: مکتب شیراز قبل از ملاصدرا، میر سید صدرالدین دشتکی، میر غیاث الدین منصور دشتکی، شاگردان غیاث الدین و مکتب شیراز پس از غیاث الدین. در بخش دوم با عنوان تصحیح، ترجمه و شرح رساله منازل السائرین و مقامات العارفین، ضمن ارائه مقدمه ای به بیان مواردی همچون نام رساله، تاریخ تألیف رساله، موضوع رساله، بررسی روش محتوا و منابع رساله، نگاهی اجمالی به مطالب رساله و نکاتی درباره تصحیح رساله می‌پردازد.

تصحیح، ترجمه و شرح رساله مطالب بعدی کتاب را در برمی‌گیرند که رساله خود در چهار گفتار برخی مباحث عرفانی را بیان می‌کند:

گفتار اول به معرفی گروه‌های مختلفی است که به ریاضت اشتغال دارند پرداخته، برتری را به عارف می‌دهد. گفتار دوم به تعریف نبی و کیفیت معرفت وی اختصاص می‌یابد. غیاث الدین در این گفتار ضمن ناکارآمد دانستن تعریف متکلمین در نبوت، بیان ابن‌سینا در اشارات، اشکالات فخر رازی و پاسخ‌های خواجه را آورده، پاسخ‌ها را کافی ندانسته، شبهات فخر را پاسخ می‌دهد. گفتار سوم به ریاضت و سلوک و بیان مقدمات، اصول و متمامات و مکملاتی در این زمینه می‌پردازد.

و گفتار چهارم ضمن اشاره به سخن ابن‌سینا، در نه اشاره به برخی حالات عارف پرداخته و علاماتی را که



قاسم کاکایی،
فرهنگستان هنر،
۱۳۸۷.

می‌تواند ما را با شناخت عارف برساند ذکر می‌کند.

در خاتمه کتاب نیز فهرست منابع، تصاویری از مدرسه منصوریه و آرامگاه خاندان دشتکی و نمایه‌ها آمده است.

۲. نقد و بررسی

نظر به اینکه کتاب در دو بخش تنظیم شده است ما در اینجا به نقد و بررسی در قالب بخش اول و بخش دوم می‌پردازیم.

الف. چنانکه گذشت مؤلف در بخش اول به بیان تفصیلی مکتب شیراز و مؤلفه‌های آن و نقش این مکتب در شکل‌گیری حکمت متعالیه پرداخته است. البته همان‌گونه که خود متذکر شده است برخی از این مباحث را قبلاً در قالب مقالاتی در مجلات به چاپ رسانده^۱ و نظر به اهمیت بحث به گردآوری و تفصیل بیشتر مباحث پرداخته است. کاری که بس ارزشمند و مفید فایده است تا شاید فتح بابی باشد برای تحقیق بیشتر در جهت شناخت این مقطع از فلسفه اسلامی. با توجه به این مطلب، ارزش کار انجام شده بیشتر نمایان می‌شود ولی با وجود تمام ویژگی‌های مثبت به نظر می‌رسد اثر حاضر از چند جهت قابل‌خداشه است که به اختصار به آنها می‌پردازیم.

اول آنکه، در این کتاب نقش دوانی کم‌رنگ نشان داده شده است و هر جا از وی نام برده شده در تقابل با دشتکی‌ها و در جهت توجیه اختلاف این دو بوده است. حال آنکه اگر به دنبال ریشه‌های حکمت متعالیه باشیم حداقل مواردی از آن را (از جمله رابطه علت و معلول و حتی وحدت وجود را) می‌توان در اندیشه‌های محقق دوانی یافت.^۲

دوم آنکه در توجیه اختلاف مواردی آمده که حداقل برخی از آنها قابل‌خداشه است. اینکه ایشان ضمن اشاره به مناظرات دوانی و خاندان دشتکی علل مخالفتها را در متکلم بودن دوانی،^۳ اهل سنت بودن وی^۴ و تمایل دوانی به سلاطین و جاه و مال بیان کرده، چندان قابل‌توجیه نیست. خصوصاً اینکه در اوایل کتاب به نقل از شهید مطهری، دوانی را در زمره فلاسفه دانسته‌اند.^۵ به علاوه آنکه محقق دوانی حتی در مباحث کلامی نیز به شیوه کاملاً عقلی و برهانی عمل نموده‌اند.^۶ یکی دیگر از عوامل اختلاف دوانی و دشتکی سنی بودن دوانی ذکر شده است و حتی سبب ملایم شدن برخورد غیث الدین با دوانی شیعه شدن دوانی در اواخر عمر ذکر شده است^۷ حال آنکه اختلاف دوانی و دشتکی‌ها فراتر از اختلاف کلامی و در مباحث فلسفی است. علاوه بر این، اگر دوانی را شیعه بدانیم (که به نظر چنین می‌آید) شیعه شدن دوانی (اگر از ابتدا شیعه نبوده و بنا را بر تقیه نگذاشته باشد) به سال‌ها قبل از شرح عقاید عضدیه و احتمالاً سفر نجف و یا حاشیه سوم شرح تجرید باز می‌گردد و دوانی شرح عقاید عضدیه را در سال‌های آخر عمرش در جزیره جرون و به خواهش بزرگان آنجا نوشته است و به تبیین نظرات مؤلف کتاب پرداخته است و این اثر نمی‌تواند مبنای شیعه یا سنی بودن وی باشد.^۸

با توضیح ذکر شده می‌توان نتیجه گرفت بهتر بود به جای آنکه علل مخالفتها در موارد فوق بیان شود به اختلاف مبنایی اندیشه‌های آنها پرداخت. اختلافی که سبب بروز مناظرات زیادی شده و حواشی شرح تجرید را شکل داده است و همین مناظرات، سبب بوجود آمدن اندیشه‌های جدیدی شدند که زمینه‌های شکل‌گیری حکمت متعالیه را فراهم نمودند.

البته از دیگر موارد اختلاف می‌توان به از دست رفتن جایگاه سید صدرالدین دشتکی در شیراز به دنبال برقراری حوزه درس دوانی^۹ و نیز نادیده گرفته شدن غیث الدین در مناظره از سوی دوانی^{۱۰} اشاره کرد. برای درک جایگاه محقق دوانی کفایت نگاهی به کتب تذکره نویسان بیاندازیم تا بدانیم پس از ورود دوانی به شیراز و برقراری حوزه درسش چگونه اکابر زمان غاشیه مطاوعتش بر دوش و علمای اوان حلقه بندگیش در دوش کشیدند.^{۱۱} همچنین نگاهی به حواشی نوشته شده بر حاشیه قدیم شرح تجرید دوانی بیاندازیم (متجاوز از بیست حاشیه) و حتی شاگرد غیث الدین (گرچه در برخی کتب تذکره جمال الدین محمود شیرازی را سرآمد شاگردان دوانی دانسته‌اند که بعد از مرگ دوانی حوزه درسش را برقرار نمود و حاشیه دوانی را تدریس می‌کرد)^{۱۲} ولی مؤلف وی را در زمره شاگردان غیث الدین دانسته است) بر کتاب دوانی حاشیه می‌نویسد ولی حاشیه ای بر حواشی دشتکی‌ها ثبت نشده است.^{۱۳}

ب- بخش دوم: تصحیح، ترجمه و تعلیقه

چنانکه مصحح گرامی در معرفی نسخه آورده قبلاً نیز دو تصحیح از رساله صورت گرفته بود که یکی از آنها تصحیح خود وی است و به گواهی او اغلاط زیادی داشته و از همین رو تصحیح دیگری صورت گرفته تا نواقص برطرف شود^{۱۴} و انصافاً نیز با تلاش زیادی که انجام شده در این راه توفیق زیادی داشته، ولی متأسفانه تصحیح حاضر نیز خالی از اغلاط نیست.

وی سبب بروز اغلاط در تصحیح قبلی را استفاده از دو نسخه اصفهان و همدان می‌داند و معتقد است به دلیل

در کتاب نقش دوانی

کم رنگ نشان

داده شده است و

هر جا از وی

نام برده شده

در تقابل با دشتکی‌ها و

در جهت توجیه

اختلاف این دو

بوده است.

حال آنکه

اگر به دنبال

ریشه‌های حکمت متعالیه

باشیم حداقل مواردی

از آن را

(از جمله رابطه علت و

معلول و حتی

وحدت وجود را)

می‌توان در اندیشه‌های

محقق دوانی

یافت.

اینکه ایشان
ضمن اشاره به
مناظرات دوانی و
خاندان دشتکی
علل مخالفتها را
در متکلم بودن دوانی،
اهل سنت بودن وی و
تمایل دوانی به سلاطین و
جاه و مال بیان کرده،
چندان قابل توجه
نیست.

مشکلاتی در این دو نسخه (چون عدم دقت ناسخان، افتادگی بحث و...) در مواردی به تصحیح قیاسی دست زده است. و در این تصحیح از دو نسخه دیگر که یکی متعلق به کتابخانه مجلس و دیگری متعلق به کتابخانه ملی ملک است نیز استفاده کرده و مبنای تصحیح را نسخه ملک دانسته. گرچه روش تصحیح بر اساس سبک توأم است که بر اساس آن نسخه‌ای اصل قرار می‌گیرد و پس از مقایسه انتقادی نسخ، اصح عبارتها گزینش می‌شود و مفاد نسخه اصل در شرایط مساوی ترجیح داده می‌شود. اما در مقایسه نسخ و ارجاع موارد اختلاف به پاورقی دقت کافی صورت نگرفته است. بحث ما در اینجا درستی یا نادرستی عبارات انتخاب شده در متن نیست بلکه با ملاحظه نسخ خصوصاً نسخه مجلس به نظر می‌رسد تصحیح حاضر نیز نارسایی‌هایی دارد.

در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

- ص ۱۴۹ س ۳: من العارفين الواقفين < نسخه مل: واقفین
- ص ۱۴۹ س ۳: لا فیها واقفین < در پاورقی آمده: ه و الف: بها حال آنکه نسخه الف، بها ندارد.
- ص ۱۴۹ س ۷: سوی او می‌قیچ و او را می‌طلب < حال آنکه در نسخه‌ها می‌قیچ آمده و نیز نسخه ه و مج :

- واو

- ص ۱۴۹ س ۹: و یسیرک مع السائرین < حال آنکه نسخه ه: یسیرک
- ص ۱۴۹ س ۱۱: یک نکته با تو گویم خود را نبین که رستی < در نسخه الف: گفتم... و رستی آمده است.
- ص ۱۴۹ س ۱۰: تا علم و فضل بینی < مج: عقل
- ص ۱۴۹ س ۱۲: ائی یتیسر لی < در نسخه‌ها: تیسر آمده است
- ص ۱۵۰ س ۵: صلوه و سلاما یلیق بکماله < مج: - و سلاما
- ص ۱۵۰ س ۶: بما یهتدی < نسخه‌های مج، الف و مل: بها
- ص ۱۵۰ س ۸: من منازل السائرین < مج: - من
- ص ۱۵۰ س ۱۵: انه یتراى < مج: یتراا
- ص ۱۵۰ س ۱۸: علی ما استقرّ علیه الجمهور < مج: + رای الجمهور
- ص ۱۵۰ س ۱۹: اقول < مج: و اقول
- ص ۱۵۰ س ۲۰: ورودا و ایرادا < مج: یرادا
- ص ۱۵۱ س ۵: فما سوی هذا < مج: مما سوی هذا
- ص ۱۸۱ س ۱۴: و قد آتینا بتفصیل < مج: لقد
- ص ۱۸۱ س ۲۰: بالمعروفات < مج: معروف
- ص ۱۸۲ س ۱: آمرون بالمعروف و ناهون عن المنکر < مج: - واو
- ص ۱۸۲ س ۲: یتحلی بالفضائل و یتخلى < مج: - واو
- ص ۱۸۲ س ۷: من الله تعالى < مج: - تعالی
- ص ۱۸۲ س ۸: ینال بهذا اجرا ما < مج: - ما
- ص ۱۸۲ س ۱۱: ان العارف شجاع لا یخاف < مل و مج: لانه لا یخاف
- ص ۱۸۲ س ۱۶: علی کثیر من الاجلاء < مج: الاخلاء

نکته دیگر در تصحیح رساله عدم اتخاذ شیوه واحد است. در حالی که مصحح مدعی شده در پاورقی به مقایسه نسخ و در تعلیقات به شرح بپردازد با این حال در مواردی (بطور نمونه ص ۱۵۲ پاورقی ۱، ۶ و ۸؛ ص ۱۵۳ پاورقی ۵؛ ص ۱۵۴ پاورقی ۱۷ و...) شرح کلمات به پاورقی منتقل شده است. همچنین با اینکه مدعی شده که حواشی را در پاورقی ذکر کرده، ولی در برخی موارد (مانند ص ۱۶۴ و ۱۶۵) حواشی ذکر نشده است.

در خصوص ترجمه نیز ترجمه ای روانی صورت گرفته است و این امر سبب می‌شود دشواری‌های موجود در ترجمه مطالبی از این دست به چشم نیاید و از این نظر در خور تحسین است. ایشان برای آنکه بتواند ترجمه‌ای قابل فهم و روان ارائه دهد و دشواری‌های موجود در ترجمه متون عربی به چشم نیاید در مواردی به ترجمه تحت اللفظی پرداخته و به عبارتی وفاداری به متن عربی رعایت نشده است، از این رو در مواردی به ترجمه عبارات نپرداخته است. برخی از این موارد به قرار زیر است:

- ص ۱۵۸ س ۱۶: الوجه الرابع من الوجوه التي اری و اری انه اولی < ترجمه این عبارت داخل پراوتر آمده و چنین ترجمه شده است: از وجوهی که به نظر می‌رسد و شایسته تر و مناسب تر از سایر وجوه است این است که..
- ص ۱۸۱ س ۱۳: اشارات الی علامات يعرف بها العارف < اشاره

- ص ۱۸۱ س ۱۴: اما خَلْقِهِ و اما خَلْقِهِ > در ترجمه برعکس آمده است.
 - ص ۱۷۸ س ۴: حالات و خیالات و کانه‌ها مخللة لهم مخيلته > پندارها و خیالی‌هایی که.. (عبارت و کانه‌ها.. ترجمه نشده است)
 - ص ۱۷۸ س ۵: و یزداد بهم الشبهات و الاشتباهات و الاشکالات.. > شبهه، اشکال و اشتباه نظر آنها.. (مفرد ترجمه شده است)
 - ص ۱۵۸ س ۱۱: الوجه الثالث من الوجوه التي اری، ان الناطقیة الانسیة.. > وجه سوم، هنگامی که نفس ناطقه..
 - ص ۱۵۸ س ۱۲: الا بالالة بدنیة > مگر با آلات بدنی..
 - ص ۱۵۸ س ۱۳: فاوشک، بلا شک ... > بدون شک..
 لازم به ذکر است که گرچه مواردی از این دست در ترجمه زیاد اتفاق افتاده ولی از شیوایی ترجمه و مطلب رسانی آن چیزی کم نشده است.
 همچنین مواردی از اغلاط چاپی در کتاب به چشم می‌خورد. برای نمونه می‌توان به ریاض الرضوان (ص ۱۳۲ و ۱۸۶)، لتعذر(ص ۱۵۰)، و رودا(ص ۱۵۰)، و نیز دو سطر آخر صفحه ۲۱۴ (نثری که بصورت نظم آمده است) اشاره کرد. یکی دیگر از اغلاط، عدم درج نمایه جلال الدین دوانی است با آنکه بارها در متن به آن اشاره شده است. نکته دیگر اینکه مصحح سعی داشته با آوردن تعلیقاتی به فهم بیان دشتکی کمک کند و تا حد زیادی در این راه موفق بوده، ولی در برخی موارد صرفاً به ذکر مطالبی از خواجه نصیر اکتفا کرده است. برای نمونه تعلیقات ۹۹ تا ۱۳۵ به ذکر نقل قول‌هایی از خواجه نصیر پرداخته است.

چنانکه مصحح گرامی
 در معرفی نسخه آورده
 قبلاً نیز دو تصحیح از
 رساله صورت گرفته بود
 که یکی از آنها تصحیح
 خود وی است و
 به گواهی او اغلاط زیادی
 داشته و از همین رو
 تصحیح دیگری صورت
 گرفته تا نواقص
 برطرف شود و
 انصافاً نیز با تلاش
 زیادی که انجام شده
 در این راه توفیق زیادی
 داشته ولی متأسفانه
 تصحیح حاضر نیز
 خالی از اغلاط
 نیست.

منابع و مأخذ

- کاکائی، قاسم، غیث الدین منصور دشتکی و فلسفه عرفان، منازل السائرین و مقامات العارفين، انتشارات فرهنگستان هنر، ۱۳۸۷ ش.
 - محمدخانی، حسین، اندیشه‌های فلسفی و کلامی جلال الدین دوانی، رساله دکتری فلسفه و کلام اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، ۱۳۸۶ ش.
 - شوشتری، قاضی نورالله، مجالس المؤمنین، کتابفروشی اسلامیة، ج ۲، ۱۳۵۴ ش.
 - الحسینی، غیث الدین بن همام الدین، تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد البشر، مقدمه استاد جلال الدین همایی، کتابفروشی خیام، چاپ سوم، ج ۴، ۱۳۶۲ ش.
 - دوانی، علی، شرح زندگانی جلال الدین دوانی، قم، چاپخانه حکمت، ۱۳۷۵ ش.
 - قمی، احمد بن شرف الدین الحسین، خلاصة التواریخ، تصحیح احسان اشراقی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ ش.

پی‌نوشت‌ها

۱. منازل السائرین و مقامات العارفين، ص ۱۲.
۲. اندیشه‌های فلسفی و کلامی جلال الدین دوانی، صص ۷۲-۷۶.
۳. منازل السائرین و مقامات العارفين، ص ۹۵.
۴. همو، صص ۹۳-۹۵.
۵. همو، ص ۳۳.
۶. اندیشه‌های فلسفی و کلامی جلال الدین دوانی، صص ۱۴۵-۱۸۵.
۷. منازل السائرین و مقامات العارفين، ص ۹۵.
۸. مجالس مؤمنین، ج ۲، صص ۲۲۲-۲۲۴؛ تاریخ حبیب السیر، ج ۴، ص ۶۰۴.
۹. تاریخ حبیب السیر، ج ۴، ص ۶۰۵.
۱۰. شرح زندگانی جلال الدین دوانی، ص ۱۲۲.
۱۱. مجالس مؤمنین، ج ۲، ص ۲۲۱.
۱۲. خلاصة التواریخ، ص ۱۲۸؛ شرح زندگانی جلال الدین دوانی، ص ۱۱۰.
۱۳. اندیشه‌های فلسفی و کلامی جلال الدین دوانی، ص ۴۷.
۱۴. منازل السائرین و مقامات العارفين، صص ۱۳۰-۱۳۱.